هوالله - يا اباالفضائل هشت سال بود شما ميدانيد که از…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## ٣٥

### هوالله

يا اباالفضائل هشت سال بود شما ميدانيد که از شدّت بلايا و محن و آلام و تضييقات حکومت سابقه در نفس سجن و جفاهای گوناگون آشنايان بيگانه نوبه عصبی مستولی شده بود و ابداً به هيچ وجه راحت و آسايش نبود تا آن که در اين ايّام شدّت نمود عاقبت اطبّا يعنی طبيب پروسيانی حيفا و اسعدبيک طبيب قرنتينه تبديل هوا را فرض و واجب دانستند لهذا حرکت به بريه مصر شد که اين زمستان در اين اقليم در اسکندريّه و مصر جديد و حلوان بگذرد و ديدنی از دوستان و آشنايان و همشهريان و هموطنان ايرانيان نمائيم ما به پورتسعيد به محض ورود هموطنان در جرائد اظهار ملال نمودند و حال آن که ما اميد حسن استقبال داشتيم زيرا اگر سبب عزّت ايرانيان در هر جا که وارد شديم نشده باشيم سبب ذلّت نشديم. حال بوی ملال شديد استشمام شد لهذا از رفتن به اسکندريّه و به مصر جديد صرف نظر نموديم تا سبب ملال هموطنان نگرديم ما در حقّ ايشان دعا کنيم و از خدا عون و عنايت طلبيم اميدواريم که کامکار گردند و در دو جهان عزيز و بزرگوار شوند. و چون هوای پورتسعيد نيز پررطوبت بود و از جهات بسيار رجای تمام و التماس شديد جمعی نمودند که سفری به آن جهات شود لهذا به جاهائی رويم که ما را قبول نمايند و سبب ملال و زحمت و کدورت نگرديم و تبديل هوا به راحت دل و جان حاصل گردد زيرا در اينجا هر روز دردسری است از حسن استقبال معلوم شد که چگونه در آينده گردد و هر روز چه رواياتی به ميان آيد و چه مناقشاتی رخ دهد بهتر آن که کلّ را راحت کنيم والسّلام\*\*.\*\* ع ع

